

# انقلاب اسلامی ایران

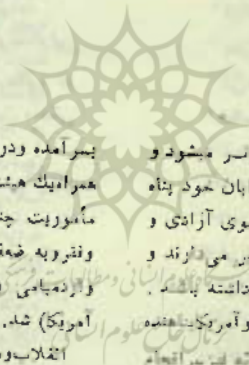
## و انقلاب

## نیکاراگوئه

مقاله / ۱۹۰۵ / ۱۰

آمریکا

محمد منتظمی



بسرآمده و در روز دوشنبه ۱۷ ژوئیه او به همراه یک هیئت ۴۵ نفری از حکمرانش مأموریت چندساله خود را در ایجاد اختناق و فقر و به ضعف کشاندن ملت، خاتمه داد و از میامی (یکی از شهرهای فلوریدا در آمریکا) شد.

انقلاب و مبارزات مردم نیکاراگوئه علیه رژیم استعمار و ستم همانند بسیاری دیگر از کشورهای تحت نظام به خصوص کشورهای آمریکای جنوبی به سالها پیش برمی گردد. در این میان نقش آمریکا از سال ۱۹۰۹ در وجود آوردن و سپس حمایت از چنین رژیم‌هایی بصورت کاملاً آشکارا در نیکاراگوئه قابل مشاهده است.

در اوایل سال (۱۹۰۹) میلادی آمریکا علیه حکومت وقت (نیکاراگوئه) کودتایی

حفاظت روز بروز آشکارتر میشود و برعکسهای زمانیکه به اربابان خود پناه می آورند و ملت‌های بی‌داری و آزادی و رهائی از جنگ استعمار گام بر می دارند و می خواهند زندگی آزادی داشته باشند. تمام مخلوق به اربابش کارگر و آمریکاییانند. شد و سوزانند و نیکاراگوئه نیز بر انجام مجبور به تسلیم در مقابل نیروی مردم شد و به ارباب همیشه خود کارگر، بی‌بسته و دنبال اینها بود نادانها ملت حسین‌ها... خواهد رسید.

بر انجام پس از ۱۸ ماه تلاش و مبارزه خونی مردم نیکاراگوئه، آمریکا متوجه شد که دوران ۶۰ ساله مأموریت خانواده ساموئلا پایان رسیده و انتشار دیکتاتور ساموئل ریز در گرس دستور اسعفا از ولایتگین

رتبیب داد که نتیجه آن یک جنگ داخلی بود. سه سال بعد، آمریکا نیروی دریایی خود را وارد نیکاراگوئه ساخت و حضور آن تا سال ۱۹۲۵ ادامه یافت در طول این مدت نیروهای آمریکائی به حمایت از رژیم دست نشانده در سرکوبی نیروهای آزادیخواه پرداخت کرد.

با خروج نیروهای آمریکادر این سال، از دیگر حرکت های مردمی شدت گرفت و در نتیجه، سال بعد آمریکا به بهانه حفاظت رجان اتباع خود دوباره نیروهای خود را به این کشور فرستاد تا بار دیگر شعله جنگهای استقلال طلبی را خاموش کند. در همین میان جنگهای چریکی به رهبری یک ژنرال آزادی خواه بنام (ساندنو) که گروه ساندنیست ها نام خود را از او گرفته اند آغاز گردید امروزه نظر بسیاری «لیکرا گوئه» اولین و بنیام آمریکا بود. سربازان آمریکائی در آنجا کشته میشدند بدون آنکه دلیل منطقی برای مردم آمریکا گفته شود.

نتیجه آن شد که فشار افکار عمومی آمریکا «فرانکلین روزولت» را مجبور ساخت تا روش خود را تغییر دهد و روش جدید آمریکا بر پایه ایجاد یک حکومت دست نشانده و سپس حمایت آن بوده نیروهای داخلی قزاق گرفت.

بدینال سیاست جدید آمریکا پس از خارج کردن نیروهایش در ژانویه ۱۹۲۳ اقدام به تأسیس گارد ملی نیکاراگوئه می کند که از این بر نقش اساسی را در بازی قدرت دارد و فرمانده این گارد در حقیقت سرد قدرتمند «لیکرا گوئه» است. فرماندهی این گارد در عهده ژنرال «آلسانزوبو ساموزا» پدر دیکتاتور اخیر بود و یک افسر تربیت شده

فرار گرفت از اشتباهاتی طلب بخشش و عفو کرد. ولیکن ساموزاهم تا آخر اعتراف به نیروی مردم نکرد بلکه فقط آنان را کمونیست نامید...

اوج گیری مبارزات

مبارزه و مخالفت با رژیم «ساموزا» هنگامی اوج گرفت که در اوائل سال (۱۹۷۸) «پدرو چاموزو» سردبیر روزنامه «برطرداد» «لابرن» ترور شد بدینال این ترور عظم و نفرت عمومی بالا گرفت بصورتی که آتش جنگ داخلی روشن شد چریکها به رهبری (ژو) فرمانده اعصابه ای خود کاخ ملی را در پایتخت تصرف کردند و بدینال آن ۲۰۰۰ تن از مردم به شهادت رسیدند به اینصورت آمد یک حمایت خود را از ساموزا نفی نمود و در اصل زحانی نماد آزادگارد «ساموزا» از ۲۰۰۰ نفر به ۱۲۰۰۰ نفر افزایش یافت که از مدبرترین تجهیزات برخوردار بود در حالی که اکثر مردم در فرمادی به سر میریدته بطوری که از ۲۰۰ میلیون نفر جمعیت «لیکرا گوئه» ۲۵۰ هزار آنها بیکار بودند و ۷۷٪ از تمام کودکان این کشور ازین غشائی روبرو بلاقوت و ناآروزی می رانند.

پس از مدتی که آمریکا تحت فشار افکار عمومی جهان، ناچار به قطع کمک مستقیم خود به «ساموزا» گردید اسرائیل هم به دل این مأموریت شد برای ماهها جنگ خونخوار میان گارد ملی از یک طرف و چریکها که از حمایت همه جالبه مردم برخوردار بودند از سوی دیگر ادامه یافت و در مدت چندین شدت و ایامد تا زمانی که عفو گرفت و جهت اخراج و غلبه «ساموزا» شد دیکتاتور هرگز نمی توانست این اتحاد و ایمان را درک کند و عاجزانه به

هر وسیله ای دست زد تا بتواند بیرون راجع کشور مسط شود از جمله نیروی هوائی او آنجان مناطق مسکونی با بیخت و شهرهای پر جمعیت را بمباران می کرد و به توپچی بست که بقول یک کارشناس نظامی خارجی! بنظر می رسید ساموزا تصمیم به نابود کردن تمام مردم کشور را گرفته است!

در نتیجه این حملات در چند شهر حدود ۲۰۰ هزار نفر بی خانمان شدند و قزاق نبودند و از طرف دیگر «ساموزا» که مانند شاه مخلوع صاحب دوستانی در «پنساگون» و دیگره بود با یاهدان برجیب کمونیست روی مخالفان خود اصلاح خویش را توجیه می کرد بطوری که چندین ییش یکی از اعضای کنگره به «لیکرا گوئه» رفت و در بازگشت با یک نمایش از چند اسامه ساخت بلوگ شرق نتیجه گرفت که مخالفان ساموزا کمونیست هستند و کشورهای خارجی نظیر «کوبا» و «پاناما» به آنها کمک می کند و آمریکا باید به حمایت خود از ساموزا ادامه دهد. (هسانطوریکه که در زمان انقلاب اصل اسلامی ایران یعنی امام خمینی راه کمونیست بودن و اخذ پول از شوروی منتهم کردند) اما با وجود همه تلاشهای آمریکا جریان بسوی چریکها و آزادی خواهان ادامه پیدا کرد بزودی «قامات واشنگتن به این حقیقت پی بردند که «لیکرا گوئه» ایران دوم خواهد بود.

خلاصه دیدگاههای منجم «لیکرا گوئه» و حتی وزارت خارجه آمریکا این ادعاه است انقلاب «لیکرا گوئه» یک نمونه کمونیستی است مردود اعلام نمودند و پذیرفتند که طغیان مردم چیزی جز نتیجه استکباری و درنده خوئی رژیم «ساموزا» و سرکوب

ایران با آوردن بختیار نامی مبارزه و از حالت  
انقلابی خارج و راه حل سیاسی و ایجاد نوعی  
دموکراسی ظاهری، منافع خود را چه از  
نقطه اقتصادی و استراتژیکی احفظ کند و  
هیچکدام از ساموزا و آمریکا این مطلب را  
برده پوشی نکردند.

ایرهمانزه هر نوع اعتراض نبوده است آمریکا  
اعتراف کرد که چاره‌ای نیست جز آنکه  
«ساموزا» استعفا دهد ولی مسئله مهمتر  
زمان است و آمریکا بدنبال آن بود تا مانند

### مطالب این شماره :

- ۱- طوفانهای در بیش از است نهرا سید !
- ۲- تکلیف در مد و قدرت
- ۳- معبودت آفرین تمام ما را تسیم
- ۴- آیا تضاد در طبیعت نقش آفرینشگری دارد ؟
- ۵- با معانی تو ناگون الفاظ ...
- ۶- اوج آمال ( شعر )
- ۷- و اشتقاق در ریاضت های ما
- ۸- و رنگهای انسان از دیدگاه قرآن
- ۹- شرایط و قیود حد سرعت
- ۱۰- اسلام و مسلمانان در آنگو
- ۱۱- فلفل جریا . . . پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۱۲- روحانیت باشد یا نباشد ؟
- ۱۳- احیاء تفکر و اندیشه و علوم
- ۱۴- آزادی بر اساس رشد
- ۱۵- انقلاب اسلامی ایران و انقلاب نیقارا آتونه
- ۱۶- پیام به امام خمینی
- ۱۷- به ملت ایران
- ۱۸- نه جبر مطلق نه آزادی مطلق
- ۱۹- ارزیابی ارزش کار و حقوق کارگر در اسلام